

تقابل آثار مبارزه با جرایم تروریستی با حقوق شهروندی در مرحله محاکمه؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان^۱

محسن کهندانی^۲

بهزاد رضوی فرد^۳

شهرداد دارابی^۴

سیدحسین هاشمی^۵

چکیده

از آثار مهم مبارزه با جرایم تروریستی، چیرگی امنیت‌گرایی بر قضامندی عادلانه است که در پرتو این رویکرد غالب دولت‌ها ترجیح می‌دهند مرتکبان اقدامات تروریستی را خارج از قواعد حقوق بین‌الملل و بر اساس صلاحدید خود مورد بازجویی و محاکمه قرار دهند. تقابل دولت‌ها در برخورد با جرایم تروریستی تنها به سختگیری در تحقیقات اولیه محدود نمی‌شود، بلکه بیشتر قوانین جنایی، متوجه محاکمه متهمان جرایم تروریستی در دادگاه‌های ویژه یا استثنایی شده‌اند و حتی در دولت‌هایی که محاکمه جرایم تروریستی در دادگاه‌های عادی صورت می‌گیرد؛ قوانین اجرایی آنها، به وجود مقررات خاصی برای این محاکمات، تصریح کرده‌اند. در این مقاله با روش توصیف و تحلیل به بررسی این تقابل به صورت تطبیقی در نظام حقوقی ایران و انگلستان می‌پردازیم و نتیجه حاصل این است که دادرسی افتراقی در جرایم تروریستی با بهانه حفظ امنیت، منجر به نقض حقوق شهروندی متهمین

۱- تاریخ دریافت مقاله ۹۷/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۶/۳۱

۲- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، نویسنده مسئول:

K.mohsen1366@yahoo.com

۳- دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

۴- استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۵- دانشیار و عضو هیات علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مفید

گردیده است. این در حالی است که رعایت حقوق شهروندی متهمین در تمام جرایم ضروری و مطابق قواعد حقوق بشری در قوانین اساسی تضمین گردیده است. **واژگان کلیدی:** جرایم تروریستی، حقوق کیفری، حقوق شهروندی، قضاوندی عادلانه، امنیت گرای

درآمد

پژوهش درباره جرایم تروریستی و قوانین مبارزه با این جرایم به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱- از اوایل این قرن تبدیل به ضرورتی مهم شده است تا ملت‌ها بتوانند از دستاوردها و حقوق خود در زندگی و آزادی فردی محافظت نمایند. تحول این جرایم بدین شکل متحیرکننده و نیز تحول قوانین مبارزه با این جرایم، نیازمند مطالعه و بررسی و تحلیل مصالحی است که در ابتدای کار، خلاف یکدیگر به نظر می‌رسند. از نظر برخی، مبارزه با تروریسم مستلزم محدود کردن آزادی‌های فردی و یا حداقل قسمتی از این آزادی‌هاست. اما حقیقت آن است که رعایت آزادی‌های فردی و احترام به حقوق شهروندی در مبارزه با تروریسم مکمل یکدیگر هستند و مبارزه با تروریسم مستلزم تحدید آزادی اشخاص و به تبع آن نقض حقوق شهروندی مرتکبین جرایم تروریستی نیست. حتی در بلند مدت می‌توان گفت عدم رعایت حقوق شهروندی متهمین، موجب افزایش آمار جرایم تروریستی و در نتیجه افزایش ناامنی خواهد شد که وقوع برخی از حوادث تروریستی که برگرفته از حس کینه و انتقام است موید این موضوع است.

بدون تردید امروزه تروریسم یکی از اشکال نقض حقوق بشر است و به این ترتیب تمامی دولت‌ها دارای مسئولیت جهانی برای مبارزه با تروریسم هستند. اما عکس‌العمل بیش از حد دولت‌هایی که خارج از چهارچوب‌های پذیرفته شده‌ی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه عمل می‌کنند، یک خطر واقعی است (Kretzmer, 171: 2005) که این خطر تمام مراحل دادرسی را تحت تاثیر قرار داده است و حتی مرحله محاکمه جرایم تروریستی - که در آن قضات باید با رعایت کامل حقوق شهروندی متهمین و با رعایت کامل اصل بی‌طرفی و در چارچوب محاکمه عادلانه اقدام نمایند - تحت تاثیر دیدگاه امنیت‌گرا قرار گرفته است.

محاكمه، مرحله بررسی ادله اثبات دعوی از جانب قاضی دادگاه است. این مرحله، به دو دلیل حائز اهمیت است: اول؛ به خاطر بی طرفی دادرسی که برخلاف دادستان، صرفاً به دنبال اجرای مجازات و اعاده نظم به جامعه نیست. در واقع، اگر دادستان نماینده نظم و امنیت است، قاضی دادگاه نماینده عدالت است و از این رو، تروریستها، در این مرحله، مجال بهتری برای دفاع از خود می یابند. دوم، به واسطه صدور حکم که به منزله پاسخ قانونی به اقدام تروریستی است و در صورت قطعی شدن به سختی قابل تغییر است.

در دعاوی کیفری رعایت اصول دادرسی منصفانه ضروری است. حق دادرسی منصفانه باید با تساوی کامل بین اصحاب دعوا رعایت شود (موذن زادگان، ۱۳۸۸: ۲۸۸). زمانی که دادرسی منصفانه باشد عادلانه نیز محسوب می گردد. اما زمانی که دولت یگانه مرجع تامین و تعریف امنیت شناخته شود اصول دادرسی منصفانه به بهانه برقراری امنیت به راحتی از سوی دولتها مخدوش می شود و تضمین حقوق دفاعی متهم، قربانی تامین امنیت می گردد (دهقانی، ۱۳۹۰: ۵۴). این واقعیت به شکل محسوس در جرایم تروریستی قابل مشاهده است دولتها با دستاویز امنیت، بسیاری از حقوق دادرسی عادلانه را برای متهمین تروریستی نادیده می گیرند و این امر در مرحله محاکمه که زمان صدور حکم است حساسیت ویژه ای دارد.

سوال اساسی این است که چه تقابلی بین مبارزه با جرایم تروریستی با حقوق شهروندی متهمین در مرحله محاکمه وجود دارد؟ و رویکرد نظام حقوقی ایران و انگلیس در این خصوص چگونه است؟ در پاسخ باید گفت امروزه دولت ها با رویکرد جرم شناسی امنیت مدار و به بهانه حفظ نظم و امنیت کشور و دفاع از حیات مردم نسبت به نقض حقوق شهروندی متهمین جرایم تروریستی اقدام و به نوعی آن ها را از حق محاکمه طبیعی و عادلانه که مورد تاکید بسیاری از اسناد بین المللی قرار گرفته محروم می نمایند. معمولاً هم در نظام حقوقی انگلستان و هم در نظام حقوقی ایران در فرایند مبارزه با جرایم تروریستی به دلیل غلبه شرایط امنیتی، مواجهه میان مبارزه با جرایم تروریستی با حقوق شهروندی وجود دارد و ممکن است بسیاری از این حقوق نقض گردد. راهکار هر دو نظام معمولاً مبتنی بر دادرسی عادلانه و شفاف و رعایت اصول رسیدگی افتراقی می باشد اما آنچه در عمل

دیده می‌شود نقض حقوق شهروندی متهمین است. وجود محاکم اختصاصی، تقدم اماره مجرمیت و نقض اصل براءت با تمام آثار آن از جمله نقض حق سکوت و افزایش اختیارات پلیسی، تعیین کیفرهای نامعین، صلاحیت فرامرزی، عدم قابلیت اعتراض به احکام از آثار مقابله با جرایم تروریستی است که این امر بر خلاف اسناد بین المللی و قوانین اساسی است که به صراحت حقوق متهمین را تضمین نموده و در این راه تفکیکی بین متهمین قائل نیستند. لازم به ذکر است تحقیقات متعددی در خصوص پدیده تروریسم و جرایم تروریستی و مبارزه با این‌گونه جرایم در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که به عنوان مثال در حقوق داخلی می‌توان از دو رساله «توازن میان امنیت و آزادیهای فردی در مقابله با جرایم تروریستی» از دکتر حسن عالی پور و رساله «مبانی و اصول آیین داری کیفری جرایم تروریستی» از دکتر رشید قدیری بهرام آبادی نام برد که در هر دو رساله به ضرورت رعایت حقوق شهروندی متهمین جرایم تروریستی تاکید گردیده است، اما تحقیقی که مشخصا تقابل آثار مبارزه با جرایم تروریستی با حقوق شهروندی را در مرحله محاکمه به صورت تطبیقی بررسی کرده باشد موجود نیست. لذا در این مقاله با روش توصیف و تحلیل به بررسی تقابل آثار مبارزه با جرایم تروریستی با حقوق شهروندی در مرحله محاکمه با نگاهی تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان می‌پردازیم.

۱- محاکم ویژه در جرایم تروریستی

شایستگی دادگاه بر پایه چیستی بزه تعیین می‌گردد، ولی در نظام عدالت کیفری در برخی از موارد شخصیت مرتکب تعیین کننده دادگاه است. در اینجا برای تعیین دادگاه شایسته به سنگینی بزه توجه نمی‌گردد، بلکه هدف نشان دادن چهره آسان گیر یا سخت گیر فرایند کیفری و اجرای حکم است.

اصل آن است که متهم برای محاکمه در پیشگاه یک قاضی معمولی حاضر شود. اما جرایم تروریستی در این باره با جرایم عادی متفاوتند. به گونه‌ای که به موجب برخی از قوانین، دادگاه‌های خاص تروریست با نگاه به شخص فاعل و ماهیت خاص این جرایم - که اغلب سیاسی است - مشخص می‌شوند.

در جرایم تروریستی صحبت از دادگاه‌هایی است که از یک رو صلاحیت و شرایط لازم برای رسیدگی به این جرایم را ندارند و از سوی دیگر مقامات غیرقضایی در نحوه شکل‌گیری و نحوه رسیدگی آن دخالت دارند.

یکی از محاکم اختصاصی که برای جرایم تروریستی ایجاد شد کمیسیون‌های نظامی برای محاکمه زندانیان و بازداشت‌شدگان گوانتانامو بود که زمینه‌ساز نگرانی‌های بسیار شد. ویژگی استثنایی بودن این کمیسیون‌ها و عدم رعایت دقیق ضوابط قانونی، دادرسی عادلانه را مخدوش می‌نمود (امیر ارسلانی، ۱۳۹۱-۱۳۹۰: ۷۹). نگران‌کننده‌تر اینکه این اقدامات در فضای محرمانه و دور از چشم مردم صورت می‌گرفت و اداره‌کنندگان این کمیسیون نیز افراد نظامی بودند (امیر ارسلانی، ۱۳۹۱-۱۳۹۰: ۸۸).

۱-۱- محاکم اختصاصی ایران

در نظام حقوقی ایران از حیث مرجع شایسته رسیدگی به اتهام تروریست‌ها رویکرد سختگیرانه اتخاذ شده است. طبق ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحی ۱۳۸۱، یکی از موارد صلاحیت دادگاه‌های انقلاب، توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران و یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب موسسات به منظور مقابله با نظام است. قانونگذار در سال ۱۳۹۲ نیز همین رویکرد را در ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر نمود. دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی است که فلسفه وجودی آن پس از انقلاب مبنی بر سختگیری بر متهمین و مرتکبان جرایم علیه امنیت کشور بود که این امر امروزه بر جرایمی مثل جرایم تروریستی نیز سرایت نموده و با رویکردی سخت‌گیرانه‌تر نسبت به محاکم عمومی به محاکمه متهمان می‌پردازد. اما به هر حال نمی‌توان این دادگاه را یک دادگاه استثنایی نامید و آن را خارج از چارچوب مقررات قانونی دانست، ولی رویکرد این دادگاه رویکرد سختگیرانه است. در عمل نیز این رویکرد بر محاکمه متهمان جرایم تروریستی حاکم است.

۲-۱- محاکم اختصاصی انگلستان

در قوانین انگلستان بر تاسیس دادگاه‌های ویژه جرایم تروریستی در زمان وجود حالت فوق العاده تصریح نگردیده است و این امر بر خلاف قوانین کشورهای مثل مصر و فرانسه است که بر تشکیل دادگاه‌های ویژه تصریح دارد. این امر بدان دلیل است که این دادگاه‌ها جز در دادگاه‌های حوادث یا دادگاه‌های نظامی، دارای نوع ساختاری نمی‌باشد.

سازمان قضایی عادی در انگلستان اقدام به ترکیب درجات قضاوت کرده است. این امر به معنای وجود دادگاه‌های درجه یک برای حل و فصل دعاوی مختلف، سپس دادگاه‌های درجه دو یا تجدیدنظر به عنوان محکمه‌ای ویژه جهت اعتراض به احکام صادره از دادگاه‌های درجه یک می‌باشد. سپس نوبت به مجلس لردها می‌رسد. این امر نشان می‌دهد که دادگاه‌های ویژه مسائل معین در زمان معین در انگلستان وجود ندارد بلکه یک نظام واحد برای پرداختن به همه جرایم (از جمله جرایم تروریستی) بر حسب اهمیت و خطر آنها وجود دارد. بنابراین دادگاه‌های امنیت ملی وجود ندارند. با این وجود چیزی به نام قضاوت فوری برای پرداختن به جرایم یک دوره معین وجود دارد که دادگاه‌ها بدان می‌پردازند. برخی معتقدند این دادگاه‌ها دادگاه‌های ویژه نیستند؛ بلکه دادگاه‌هایی عادی هستند که قانونگذار به آنها اجازه پرداختن به جرایم مخالف با لویح حالت ضرورت را به صورت سریع داده است (بلال، ۱۹۹۳: ۱۹۴). بر این اساس، قاعده عمومی در نظام قضایی انگلستان آن است که همه جرایم -از جمله جرایم تروریستی- در قضاوت عادی مطرح می‌شوند. فقط برخی اجرائیات ویژه در بعضی جرایم وجود دارد. از جمله: محرمانه بودن جلسات دادگاه که استثنایی بر اساس قوانین اسرار و طبق امنیت و سلامت کشور می‌باشد. بدین صورت که زمانی که محاکمه در اتاق مشورت صورت می‌گیرد، علنی نمی‌باشد. این امر به بازجویی قاضی تحقیق نیز تسری داده می‌شود و این یک استثناء از قاعده علنی بودن اجرائیات می‌باشد. اما علیرغم محرمانه بودن محاکمه، حکم باید در جلسه علنی قرائت شود (اللییدی، ۲۰۰۷: ۳۳۴).

در مجموع باید گفت که در نظام حقوقی ایران و انگلستان محاکم اختصاصی به نوعی که در آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر تشکیل گردید وجود ندارد و

محاكمی که به جرم تروریستی رسیدگی می‌کنند تحت نظارت قانون بوده و با حضور قاضی به پرونده رسیدگی می‌گردد. تنها نوع رسیدگی در این دو نظام حقوقی مبتنی بر اجرائیات خاص و با رویکرد سختگیرانه می‌باشد. برای مثال دادگاه انقلاب در ایران همانگونه که اشاره شد یک دادگاه عادی اختصاصی است که رویکرد سختگیرانه ای دارد اما نحوه و شکل رسیدگی در این دادگاه وفق قانون و مقررات است و حتی به صراحت ماده ۲۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری در برخی از جرایم که مجازات آنها سنگین است؛ مانند برخی از اشکال جرایم تروریستی، دادگاه با تعدد قاضی به جرم رسیدگی می‌کند.

۲- تقدم اماره مجرمیت بر برائت

یکی از موارد تحول حقوق کیفری در سیاست جنایی امنیت مدار، جابجایی اصل برائت با اماره مجرمیت در برخی جرایم خاص است. احراز مجرمیت بزهکاران سازمان یافته و شناسایی اعضای آنها که شاخه‌های فراملی نیز دارند برای مقامات قضایی کاری بسیار دشوار است و مستلزم صرف وقت و هزینه‌های بسیار است. حقوق بین الملل و تحت تاثیر آن قانونگذاران داخلی به جای اصل برائت اماره مجرمیت را مثلاً در جرم تطهیر سرمایه‌ها و درآمدهای نامشروع و جرایم تروریستی پذیرفتند. با این اقدام بار اثبات دلیل را جابجا کرده‌اند. مظنون محوری را می‌توان بدترین چهره قوانین ضد تروریستی دانست. این ویژگی یادآور دوران اثبات بزه از گذر شانس است. یافتن شانس تروریست‌ها عاقبتی جز دو دسته کردن شهروندان به خودی و غیرخودی و سرکوب بیگانگان ندارد (عالی پور، ۱۳۸۷: ۲۲۶).

امروزه تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در برخی از جرایم خاص از جمله جرایم تروریستی مرسوم گردیده و اصل پایدار حقوق کیفری یعنی اصل برائت مخدوش شده است. بدون شک اصل برائت را باید بنیادی‌ترین اصل حاکم بر تحصیل دلیل دانست. اصلی انکارناپذیر و غیرقابل اجتناب که در آن متهم بی‌گناه فرض می‌شود و می‌تواند از پاسخ‌گویی به سوالات امتناع کند و بار اثبات اتهام بر عهده مقام تعقیب است. با این حال همانگونه که اشاره شد در جرایم تروریستی با رویکرد سیاست جنایی امنیت مدار بار اثبات دعوا بر عهده متهم قرار گرفته است و

به نوعی اصل برائت جای خود را به اصل مجرمیت داده است. از دیدگاه تاریخی اصل برائت از سابقه چندانی برخوردار نیست (آشوری، ۱۳۷۹: ۲۰۱). در انگلستان نیز قدر متیقن این است این کشور از حدود یک سده قبل بر اصل برائت صحنه گذاشته است. در یکی از پرونده‌های قدیمی انگلستان یک قاعده مشاهده می‌شود و آن این است که اثبات تقصیر زندانی بر عهده دادستان است و هرگاه در پایان دعوا دلایل ارائه شده توسط دادستان مبنی بر اینکه آیا زندانی جرم را مرتکب شده است یا خیر ارائه نگردد؛ بدان معنی است که دادستان دعوا را اثبات نکرده و فرد مستحق برائت خواهد بود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۵۷).

برخی عدول از اصل برائت را در موارد خاص اجتناب ناپذیر می‌دانند (شمس ناتری، ۱۳۹۰: ۳۰۰) و برخی مشکلاتی که در مورد اثبات عناصر تشکیل دهنده جرم و ناتوانی دادستان از اثبات آنها وجود دارد را، زمینه سوء استفاده مجرمان می‌دانند. لذا معتقدند پذیرش برخی موارد مغایر اصل برائت، اجتناب ناپذیر است. مضاف بر اینکه گسترش فناوری نیز پیچیدگی ارتکاب جرایم را بیشتر می‌کند و می‌تواند این امر را توجیه کند (رحمدل، ۱۳۸۷: ۶۰). اما به هر حال این امر نباید بی‌قید و شرط باشد و باید عدول از اصل برائت موجه باشد. به عبارت دیگر قانونگذار مجاز نیست به دلخواه خود هر وقت که خواست از اصل برائت عدول کند. لذا صرف مشکل بودن اثبات مجرمیت متهم، نمی‌تواند به تنهایی دلیلی برای عدول از این اصل باشد. برخی نیز بدون هیچ گونه استدلالی معتقدند تقدم اماره مجرمیت در برخی موارد منطقی و به عدالت نزدیک است (رمضانی، ۱۳۸۸: ۶۲). اما نتیجه هولناک این دیدگاه با مثالی از حقوق انگلستان مشخص می‌شود. بر پایه سیاست مرگبار در انگلستان، اگر مأموران پلیس ظن به این پیدا کنند که فرد خاصی قصد انجام عملیات تروریستی انتحاری را دارد، می‌توانند بدون هیچ مقدمه و پیش شرطی او را به قتل برسانند و خطر این دیدگاه آنقدر محرز است که نیاز به توضیح ندارد.

یک دیدگاه این است که معکوس شدن بار اثبات با فرض برائت و بلکه با سایر حقوق بشر مغایرتی نخواهد داشت (Guy, 2000: 74). به عبارت دیگر اگر

قانونگذار عنوان جدیدی به جرایم بیافزاید و در آن بار اثبات دلیل را بر عهده متهم بگذارد این به معنای نفی اصل برائت نیست. اما باید گفت چنین رویکردی موجب تضییع حقوق متهم می‌شود و خلاف شأن و اعتبار مقام قضایی که می‌بایست با تجربه و تخصص خود به کسب دلیل پردازد، نیز می‌باشد (دلیر، ۱۳۸۶: ۲۷۳).

در حقوق ایران تقدم اماره مجرمیت در هیچ جرمی به صورت مبنایی پذیرفته نشده است (دهقانی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). علیرغم اینکه در مورد اصل ۴۹ قانون اساسی اماره مجرمیت در مواردی موجود است اما در عین حال قانونگذار اماره مجرمیت را بر اصل برائت حاکم نکرده است (شمس ناتری، ۱۳۸۰: ۳۳۷). در جای دیگری نیز مانند ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی سابق که اعلام می‌داشت هرگاه دو مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت در زیر یک پوشش به طور برهنه قرار گیرند... تعزیر می‌شوند - یا ماده ۳۳۸ قانون موصوف که مربوط به فراخواندن شخص به صورت شبانه از منزل و مفقود شدن وی باشد - که در نگاه اول دلیلی بر تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در حقوق ایران است؛ اما به نظر می‌رسد اینگونه نیست چرا که در مورد اول عمل دو مرد عقلا و شرعا جرم است و در مورد دوم نیز در صورت چنین برداشتی مرتکب باید قصاص می‌شد نه اینکه ضامن دیه باشد (قدیری بهرام آبادی، ۱۳۸۹: ۷۷).

در قانون مبارزه با پولشویی و قانون تامین مالی تروریسم قانونگذار به نوعی اماره مجرمیت را با عنایت به حساسیت‌های موجود بر اصل برائت حاکم دانسته است و در رویه قضایی نیز محاکمات تروریست‌ها با فرض مجرمیت آنها صورت می‌پذیرد.

در حقوق انگلستان قوانین ضد تروریسم به ویژه قانون تروریسم مصوب ۲۰۰۶، اعتقاد به وارونه کردن بار اثبات دعوا دارد. طرفداران این رویکرد معتقدند که بار اثبات بی‌گناهی متهم باید در گام نخست بر عهده خود متهم باشد، زیرا پیگرد و بازجویی و گردآوری دلایل درباره تروریست‌ها بسیار دشوار است. در گام دوم خطرآفرین و مشکل ساز است و در گام سوم تروریست‌ها اطلاعات زیادی از همدستان خود و سایر گروه‌های تروریستی دارند که با حاکمیت اصل برائت امیدی به کسب این اطلاعات وجود ندارد. اما اگر بار اثبات بی‌گناهی بر عهده متهم قرار

گیرد می‌توان اطلاعات زیادی از همدستان تروریست‌ها به دست آورد. بهر حال این راهکار از یک سو به شدت مورد انتقاد است و از سوی دیگر موجب اختلافاتی بسیار عمیق در عرصه تحصیل دلیل گردید (قدیری بهرام آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳).

۱-۲ تاثیر اماره مجرمیت در افزایش اختیارات پلیسی

در جرایم تروریستی به قدری دامنه اماره مجرمیت گسترده شده که یک پلیس و ضابط قضایی نیز خود را مجاز به اعمال آن می‌داند. بنابر تشخیص خود به صورت فشرده و سریع و کاملاً کم هزینه تمامی فرآیند کیفری را گذرانده در همان جا حکم صادر می‌نماید و در نهایت رای را به اجرا می‌گذارد. چنین رویکردی به مذاق مقامات نیز خوش آمده و چه بسا به جای محکومیت این عمل ناپسند، مرتکب را مشمول توجه و عنایت نیز قرار دهند. چرا که از نظر مقامات محاکمه‌ای سریع و بدون هزینه، نسبت به رفتاری احتمالاً مجرمانه صورت گرفته است که چه بسا ممکن بود امنیت جامعه را بر هم زند. به عنوان مثال در انگلستان در یکی از پرونده‌های «گرویز مک کر»^۱ که در ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۲ در حال رانندگی در جاده تولیدگالی بود، به همراه دو تن دیگر به ضرب گلوله پلیس کشته شد. پلیس به گمان اینکه ماشین در حال جابجایی دو تن از متهمان به ارتکاب جرایم تروریستی است به سوی ماشین آتش گشود و هر سه سرنشین را از پای درآورد. بعد از تفتیش معلوم شد که هیچ کدام از مقتولان سلاح به همراه نداشتند و پلیس اشتباه تصور کرده است (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۲۲۹). همچنین در سال ۱۹۸۸ «مک کنن»^۲ به همراه دو عضو دیگر ارتش جمهوری خواه ایرلند در یک عملیات بمب‌گذاری علیه یکی از واحدهای نظامی انگلستان که برای یک مراسم گردهم آمده بودند شرکت کرد. عملیات قبل از انجام لو رفت و نیروی پلیس جبل الطارق به همراه نیروهای نظامی برای دستگیری بمب‌گذاران وارد عمل شدند. سرانجام طی چندین مرتبه تیراندازی هر سه نفر آنها کشته شدند. ضاربین ادعا کردند که آنها به دلیل ترس از منفجر کردن بمب کنترل از راه دور توسط تروریست‌ها، به سوی آنها شلیک

1- Mack Ker

2- Mack kanen

کرده‌اند، اما پس از حادثه هیچ سلاح و تجهیزات کنترل از راه دور یافت نشد (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۲۳۲).

۲-۲ تاثیر اماره مجرمیت در عدم رعایت حق سکوت

حق سکوت به عنوان یکی از آثار اصل برائت متهم این حق را می‌دهد که در برابر اتهامات وارد شده سکوت اختیار کند. در واقع می‌توان گفت مجاز شمردن متهم به سکوت از تضمینات آیین دادرسی کیفری در مقابل دادستان است که از پشتوانه‌ی عمومی برخوردار است (Ann hcoking, 2007: 62).

متأسفانه در جرایم تروریستی اثری از حق سکوت متهمین دیده نمی‌شود و هرگونه دلیلی علیه آنها مورد استناد قرار گرفته و منتهی به محکومیت می‌گردد. سکوت در این جرایم قرینه‌ای بر بزهکاری آنان تلقی می‌گردد (قدیری بهرام آبادی، ۱۳۸۹: ۳۷) و این از آثار تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است.

در نظام حقوقی ایران تا قبل از قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، به حق سکوت و لزوم مطلع کردن متهم به این حق اشاره نشده بود و صرفاً در ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق آمده بود چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع کند در صورت مجلس قید می‌شود. اما در قانون جدید بر اساس ماده ۵، متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی بهره مند شود. یکی از این حقوق دفاعی، حق سکوت است که در ماده ۱۹۷ ذکر شده است. لذا تفهیم این حق به متهم از ضروریات یک دادرسی عادلانه است و سکوت متهم برای وی یک حق مسلم است. در حالیکه سکوت متهم در جرایم تروریستی حمل بر مجرم بودن ایشان می‌شود که نقض مسلم حقوق شهروندی اوست.

در حقوق انگلستان بر اساس قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴، پلیس پس از بازداشت و قبل از بازجویی مکلف است متهم را از حق سکوت خویش آگاه نماید. اما براساس ماده ۳۴ قانون عدالت کیفری و نظم عمومی مصوب ۱۹۹۴، مقررات حق سکوت اصلاح شد. بر اساس این ماده سکوت متهم در دو مورد می‌تواند دال بر مجرم بودن او باشد. یکی اینکه متهم در زمان بازجویی یا پس از تفهیم اتهام

در زمانی که پلیس به دنبال کشف جرم و مجرم است از ذکر حقایقی که متعاقبا در دفاعیاتش می‌خواهد استناد کند قصور ورزد و دوم هنگامی که سریع تفهیم اتهام شود یا به طور رسمی مطلع شود که ممکن است مورد تعقیب قرار گیرد ولی همچنان از گفتن حقیقت امتناع ورزد. مواد ۳۶ و ۳۷ همین قانون، مقررات مشابهی برای زمانی که متهم از بیان توضیح در مورد اشیایی که همراه او بوده یا در لباس او یافت شده و از ادای توضیح در مورد آن خودداری می‌کند پیش بینی کردند. با تصویب قانون عدالت جوانان و ادله کیفری ۱۹۹۹ در ماده ۵۸ تغییرات دیگری در حق سکوت به وجود آمد. بر اساس این ماده سکوت تنها زمانی دال بر مجرمیت است که متهم به وکیل دسترسی داشته و قابلیت دفاع از اتهام انتسابی را داشته باشد اما از خود دفاع نکند و یا از حق وکیل جهت دفاع از اتهام علیه خویش استفاده نکند (Clarke, 2009: 56).

در مجموع باید گفت اصل براءت یکی از اصول استوار حقوق کیفری است که برای تثبیت آن حقوقدانان متعددی طی سالیان متمادی رنج و مشقت فراوان کشیده اند، لذا حتی در جرایم تروریستی نیز باید از اصل براءت دفاع کرد و آن را برای متهمین جاری دانست. لذا هیچ توجیهی برای نقض این اصل که در قوانین اساسی و اسناد بین المللی به صراحت درج گردیده وجود ندارد. اما متأسفانه با توجه به شرایط دنیای امروز و جرایم خاص سازمان یافته و تروریستی مقامات قضایی نیز بعضاً با رویکرد سیاست جنایی امنیت‌گرا پایبندی چندانی به این اصل ندارند و مقامات اجرایی که غالباً نگاهی امنیتی دارند نیز اجرای این اصل را خلاف مصالح خود می‌بینند. به عبارت دیگر مقامات اجرایی به گونه ای از اماره مجرمیت در جرایم تروریستی سوء استفاده می‌کنند که احتمال رسیدن متهم نزد قاضی برای محاکمه عادلانه و صدور حکم منصفانه بسیار بعید است. رسانه‌ای کردن جرایم تروریستی و استفاده از احساسات مردم نیز در این امر تأثیر فراوانی دارد. گویی همه چیز از قبل بر پیشانی متهم نوشته شده است. آنها حق شهروند بودن را نیز از دست داده‌اند.

۳- تعیین کیفرهای نامعین

کیفر اقدامات تروریستی در قانون‌های ضد تروریسم هرچند شدید، ولی معین است، اما در مرحله اجرا مجازاتی که بر محکوم بار می‌شود دقیقاً همان نیست که در قانون پیش‌بینی می‌شود. شخصی که به واسطه اقدامات تروریستی محکوم به مجازات حبس شده است، هر چند پس از تحمل حبس همانند سایر محکومین از زندان آزاد می‌شود، اما به لحاظ خطرناکی تروریست‌ها، در برخی کشورها تدابیر خاصی برای آزاد کردن محکوم اتخاذ شده است و حتی اگر محکوم هیچ‌گاه به فکر ارتکاب جرم مجدد نباشد اما برای همیشه تحت نظر است و زندگی او تحت تأثیر جرم سابق خواهد بود و به تبع آن از بسیاری از حقوق شهروندی خویش محروم خواهد بود.

در حقوق ایران مجازات نامعین وجود ندارد. اما برخی از جرایم دارای مجازات‌های تبعی هستند که فرد بعد از اتمام محکومیت هنوز از انجام برخی فعالیت‌های اجتماعی محروم می‌باشد. در جرایم تروریستی هم محکوم پس از اعمال مجازات با توجه به نوع جرم از فعالیت‌های اجتماعی محروم است.

مطابق ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده، محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

الف- هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی

ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو و...»

جرایم تروریستی نیز با توجه به اینکه در کدام درجه قرار گیرند و کدام مجازات برای آن تخصیص یابد مشمول مجازات تبعی و محرومیت‌های پیش‌بینی شده در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی می‌باشند. اما آنچه در عمل واقع می‌شود این است که محکوم جرایم تروریستی پس از آزادی نیز با توجه به نوع جرم، تحت نظر نیروهای اطلاعاتی و امنیتی کشور می‌باشند که به نوعی این امر نمایان‌گر مجازات نامعین است. چرا که شخص پس از اتمام محکومیت باید به مانند سایر افراد جامعه و به دور از هرگونه نظارت و نقض حریم خصوصی خویش زندگی کند؛

اما ملاحظات امنیتی و رویکرد دولتها و حاکم شدن حقوق کیفری امنیت مدار توجیه کننده نظارت بر این محکومین حتی پس از آزادی و به تبع آن محروم شدن از بسیاری از حقوق شهروندی این مجرمین است.

در نظام حقوقی انگلستان در قوانین ضد تروریسم، تعیین مجازات بسته به میزان خطرناکی محکوم دارد و این خود زمینه ساز ماندن طولانی مدت تروریست ها در زندان است و علیرغم اتمام حبس محکوم، آزادی وی در گرو تصمیم وزارت کشور است که آن را با توجه به منافع عمومی و امنیت ملی اتخاذ می کند (Ashworth, 2007: 218). طبق ماده ۳۰ قانون تروریسم ۲۰۰۸ انگلستان، اگر جرمی با اعمال تروریستی مرتبط باشد این امر به منزله کیفیت مشدده مجازات برای تعیین مجازات تلقی خواهد شد (Conte, 2010: 242). بدیهی است که هرگونه جرمی را می توان به نوعی با جرایم تروریستی مرتبط نمود و در نتیجه برای آن مجازات شدید در نظر گرفت، بالاخص با توجه به اینکه در خصوص تروریست تعریف دقیقی وجود ندارد. لذا همین امر دستاویزی برای اعمال محرومیت های بیشتر و فرا قانونی خواهد بود و همانگونه که اشاره شد حتی پس از اتمام حبس آزادی شخص در گرو تصمیم وزارت کشور خواهد بود.

در خصوص نامعین بودن مجازات در حقوق انگلستان می توان به عنوان نمونه از لطفی رئیسی نام برد. او نخستین فردی بود که در انگلستان به اتهام آموزش خلبانی به هواپیماربایان رخداد ۱۱ سپتامبر، ۵ ماه زندانی شد. او پس از روشن شدن بی گناهی اش گفته است زمانی که در زندان بوده مورد ضرب و جرح جسمانی و آزار روانی قرار گرفته و به علاوه پس از آزادی اش نمی تواند با هیچ یک از خطوط هوایی مسافرت کند (مهرا، ۱۳۸۶: ۶۷) که این امر بدان معناست که فرد مظنون به عملیات تروریستی حتی پس از آزادی باز هم از حقوق متعددی محروم است و نشانگر نوعی از نامعین بودن مجازات در محکومین تروریستی است.

۴- صلاحیت فرامرزی

یکی از اصول پذیرفته شده آیین دادرسی کیفری، صلاحیت سرزمینی دولت ها برای رسیدگی به جرایم است و عدول از این اصل، نقض حاکمیت سرزمینی

دولت دیگر محسوب می‌شود. برخی دولت‌ها که عمدتاً قدرت‌های جهانی هستند با نقض نامحسوس این اصل به خیال خود اجازه نداده‌اند تروریست‌ها در هیچ مکانی امنیت داشته باشند. برای مثال کشور آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر با ادعای جنگ علیه تروریسم با نقض اصل صلاحیت سرزمینی به مجازات تروریست‌ها در اقصی نقاط جهان اقدام نمود که نمونه بارز نقض این اصل اساسی حقوق کیفری است.

در حقوق ایران و انگلستان چنین رویکردی وجود ندارد و در هر دو نظام حقوقی صرفاً بر اساس صلاحیت جهانی مطابق قوانین و اسناد بین‌المللی اقدام می‌گردد. برای مثال مطابق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱ قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم اگر متهم در ایران یافت شود مورد محاکمه قرار می‌گیرد.

۵- دادرسی با شتاب

دادرسی سریع متضمن رسیدگی خارج از نوبت و فوری به پرونده کیفری است که در ضمن رسیدگی برخی از تشریفات رسیدگی‌های معمولی رعایت نمی‌گردد. هر چند برخی دادرسی با شتاب را حق مشتکی عنه می‌دانند (Gilligan, 1975: 124)، اما این شیوه دادرسی تشریفات دادرسی عمومی را نداشته و در نتیجه وقت و امکانات کافی برای دفاع از خود را به متهم نمی‌دهد. دادرسی سریع، نزدیک به رسیدگی تفتیشی است که سریع و سری می‌باشد و در حال حاضر گاه گاه نسبت به تروریست‌ها اعمال می‌گردد.

در حقوق ایران و انگلیس مقررهای در خصوص دادرسی سریع جرایم تروریستی وجود ندارد، اما رویه قضایی نشان می‌دهد با توجه به آسیب‌های جرایم تروریستی، رویکرد نظام‌های حقوقی به این جرایم، رسیدگی سریع و با شتاب می‌باشد تا تنش و اضطراب حادث شده در جامعه به واسطه مجازات محکومین جرایم تروریستی فرو بنشیند که این امر در صورتی که با دقت کافی صورت نگیرد متضمن نقض حقوق متهم که یک رسیدگی عادلانه و منصفانه و رعایت کامل حقوق دفاعی وی و به دور از هیجان‌انگیزی است می‌گردد. به عبارت دیگر با عنایت به اینکه جرایم تروریستی غالباً با تهییج رسانه‌ها و مردم روبرو می‌گردد لذا سرعت

رسیدگی نقش مهمی در این محاکمات ایفا می‌کند لذا حکومت که در مقام پاسخ به این هیجانات است با تسریع در رسیدگی قصد ایجاد ثبات و حفظ امنیت جامعه دارد که این امر منجر به نقض حقوق متهم می‌گردد.

۶- عدم قابلیت اعتراض به احکام

باید گفت که مقامات قضایی نیز همانند سایر افراد در معرض تهدید قرار دارند و ضعف نفس و اغراض که منشا لغزش و بی‌عدالتی است در آنها نیز وجود دارد (متین دفتری، ۱۳۹۱: ۱۷۰) لذا صرف نظر از هر جرم باید پذیرفت که قابلیت اعتراض به احکام از لوازم تحقق عدالت است. واقعیتی که در تمامی جرایم پذیرفته شده است. اما کم کم شاهد رنگ باختن آن در جرایم خاص از جمله جرایم تروریستی هستیم.

با توجه به اینکه جرایم تروریستی نظم جامعه را دچار اختلال می‌کند و ترس و رعب و وحشت را بر جامعه حاکم می‌کند لذا دیدگاه امنیت مدار معتقد است که ضمن تسریع و شتاب در دادرسی و محاکمه متهمین، با عنایت به نتایج حاصله از جرم، حق اعتراض نیز به حکم وجود ندارد تا مجازات فرد که پاسخی از جامعه و حکومت به مرتکب جرم است سریعاً صورت گرفته و موجب آرامش جامعه شود. اما این رویکرد به هیچ وجه موجه نیست. چرا که یکی از حقوق مهم متهمین قابلیت اعتراض به احکام است. قاضی نیز همانگونه که ذکر شد جدای از خطا و اشتباه نیست و ممکن است تحت اغراض نفسانی قرار گیرد. همچنین با عنایت به نتایج حاصله در جرایم تروریستی، قاضی نیز که باید صرفاً بر اساس قانون و بدون هیچ پیش فرضی عادلانه محاکمه نماید، ممکن است تحت تاثیر شرایط جامعه و رعب و وحشت حاکم بر جامعه قرار گیرد و در رای صادره از عدالت خارج شود. لذا تجدیدنظر و اعتراض به این رای از حقوق اولیه هر متهمی است.

در حقوق ایران مطابق ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، اصل بر قابل اعتراض بودن احکام است و صرفاً احکام تعزیری درجه ۸ و جرایم مستوجب دیه یا ارش که مجموع آن کمتر از یک دهم دیه کامل باشد قابلیت اعتراض را ندارند و تفاوتی بین جرایم تروریستی و غیر آن وجود ندارد و با توجه به اینکه جرم

در کدام درجه قرار گیرد قابلیت اعتراض یا عدم اعتراض دارد.

در حقوق انگلستان، قانون جرم امنیت و تروریسم ۲۰۰۱ حق اعتراض به بازداشت را از متهم سلب نمود. اما پس از چند سال مجلس لردها تصمیمی متفاوت اتخاذ نمود. حکم این مجلس در سال ۲۰۰۴ در مورد اعتراض ۱۱ نفر مسلمان بازداشت شده نسبت به بازداشت نامحدود خارجیان مقیم آن کشور حکایت از آن دارد که نظام حقوقی انگلستان حق بر بازبینی قضایی قانونی بودن بازداشت مظلومان به فعالیت های تروریستی را در عالی ترین مرجع رسیدگی قضایی آن کشور یعنی مجلس لردها مورد پذیرش قرار داده است (قدیری بهرام آبادی، ۱۳۹۵: ۲۶۷)

برآمد

۱- امروزه در خصوص میزان اهمیت و خطرآفرین بودن جرایم تروریستی که علیه افراد و جوامع انسانی و امنیت بین المللی انجام می شود اختلاف نظری وجود ندارد. همچنین بر سر حق مشروع دولت ها در مواجهه با تروریسم برای دفاع از امنیت و سیادت خود نیز اختلافی وجود ندارد. تنها آن که دولت ها باید در هنگام به کارگیری روش ها و وسایل مختلف برای مبارزه با تروریسم به حقوق شهروندی متهمین احترام بگذارند. به همین دلیل در این مقاله به موضوعی پرداخته شد که از زنده ترین موضوعات در عصر کنونی ما می باشد. به خصوص پس از آن که بسیاری از دولت ها از جمله دولت انگلستان قوانینی ویژه برای مبارزه با تروریسم وضع نموده و دیگر دولت ها به وارد کردن متونی خاص در قوانین جزائی جاری خود اقدام کردند تا با پیشرفت هایی که در مبارزه با این جرایم روی داده است هماهنگ شوند.

۲- در این پژوهش مشخص شد که در خصوص مواجهه با جرایم تروریستی دو نوع چالش وجود دارد:

اول: چالش های امنیتی مربوط به خطراتی که از سوی تروریسم متوجه امنیت و نظم عمومی می شود و چالش های قانونی متعلق به حقوق بشر و حقوق شهروندی متهمین. در تقابل این دو چالش مشخص شد که امروزه کشورها با رویکرد سیاست جنایی امنیت مدار اقدام به مبارزه با جرایم تروریستی می کنند که نتیجه حاصل این بود که مواجهه با اقدامات تروریستی منجر به نقض حقوق

شهروندی متهمین گردیده است و این تقابل مرحله محاکمه را نیز، که مرحله صدور رای است و می‌بایست مبتنی بر رعایت تمام اصول دادرسی عادلانه باشد تحت الشعاع قرار داده است.

۳- وجود محاکم اختصاصی و ویژه برای محاکمه متهمین جرایم تروریستی، حکومت اصل مجرمیت به جای اصل براءت و آثار آن بر نقض حق سکوت و افزایش اختیارات پلیسی، تعیین کیفرهای نامعین، صلاحیت فرامرزی، دادرسی با شتاب و عدم قابلیت اعتراض به احکام از آثار تقابل مبارزه با جرایم تروریستی با حقوق شهروندی در مرحله محاکمه است که در نظام حقوقی دو کشور مورد مطالعه یعنی ایران و انگلستان برخی موارد در قانون و برخی موارد در عمل صورت می‌پذیرد. اما در نتیجه باید گفت اشخاص حتی اگر به جرم تروریستی متهم باشند از حقوق شهروندی برخوردارند و این امر در مرحله محاکمه که فرد در محضر قاضی دادگاه که برخلاف دادستان که مدعی العموم است صرفاً نماینده عدالت است قرار می‌گیرد، حساسیت ویژه‌ای دارد. چرا که اگر پاسخ بی‌قانونی با بی‌قانونی داده شود خود تروریسمی دیگر است و نباید با نقض حقوق شهروندی پاسخ نقض قانون را داد.

منابع

- امیر ارسلانی، اردوان، «چالش‌های حقوق بشری در جنگ علیه تروریسم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۹۰-۹۱
- آشوری، محمد، «آیین دادرسی کیفری»، جلد ۲، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹
- دلیر، حمید، «اموال مرتبط با جرم در حقوق ایران، انگلستان و اسناد بین‌المللی»، رساله دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۶
- دهقانی، علی، «رویکرد امنیت‌گرا به نظام دادرسی کیفری، مبانی جلوه‌ها و چگونگی تعدیل آن با تأکید بر حقوق ایران»، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، پردیس قم، ۱۳۹۰
- رضانی، علی اکبر، «چالش‌های قواعد حاکم بر جرایم سازمان یافته با موازین حقوق بشر (اسناد بین‌المللی و انگلیس)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۸۸
- رحمدل، منصور، «پارائبات در امور کیفری»، نشر سمت، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، «اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری»، مجموعه مقالات، نشر سمت، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۹۰
- «سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌الملل»، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، زمستان ۱۳۸۰
- عالی پور، حسن، «توازن میان امنیت و آزادیهای فردی در مقابله با جرایم تروریستی»، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷
- عبدالهی، محسن، «تروریسم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، نشر شهر دانش، ۱۳۸۸
- قدیری بهرام آبادی، رشید، «تحولات تحصیل دلیل در جرم پولشویی با رویکرد به اسناد بین‌المللی، قوانین و مقررات ایران و انگلیس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹

- قدیری بهرام، رشید، «مبانی و اصول آیین داری کیفری جرایم تروریستی»، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۹۵
- متین دفتری، احمد، «آیین داری مدنی و بازرگانی»، نشر مجد، جلد ۲، ۱۳۹۱
- مؤذن زادگان، حسنعلی، «بررسی اجمالی دادرسی منصفانه از دیدگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر»، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، نشر آیین احمد، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۸
- مهرا، نسربین، «مسلمانان در سیستم عدالت کیفری انگلستان»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۶
- میر محمد صادقی، حسین، «جرایم علیه اموال و مالکیت»، نشر میزان، چاپ ۳۸، زمستان ۱۳۹۲
- بلال، احمد عوض، «ب»، «الاجراءات الجنائیه والنظام الاجرائیه فی المملکه العربیه السعودیه»، القاهره، دار النهضه العربیه، ۱۹۹۳
- ۱- للبيدى، ابراهيم محمود، «الحمايه الجنائيه لامل الدوله»، الطبعة الثانيه، القاهره، دار النهضه العربيه، ۲۰۰۷

- Ashworth, Andrew, "**Security, terrorism and the value of human rights**", in Essays on Security and Human Rights, edited by Benjamin J Goold and Liora Lazarus, Hart Publishing, Oxford and Portland, 2007
- Ann hocking, Barbara and Leigh Manville, Lanra, what of the right to silence: still supporting the presumption of innocence, or a growing legal fiction? *Macquarie low journal* (2007), vol. 1, No. 1,
- Conte, Alex, **human rights in the prevention punishment of terrorism, Germany**, Springer publish, 2010
- Conte, Alex, **human rights in the prevention punishment of terrorism, Germany**, Springer publish, 2010

- Clarke, Michael, Soria, Valentina, “**terrorism in the United Kingdom confirming its Modus operandi**”,journal Royal United Services institute (r u s I),vol.154. no.3, 2009
- Gilligan, Francis A, **Speedy Trial**, The army lawyer, October 1975
- Guy, Stessens, money laundering, a new international law enforcement model, Cambridge University Press, 2000
- Kretzmer,David,targeted Killing of suspected terrorists:extra-judicial executions of legitimate means of Defense? **The European journal of international law**,vol. 16, no 2, 2005



The counteraction of the effects of the fight against terrorist crimes with the rights of citizens at the trial stage; Comparative study on Iranian and English law

Mohsen Kohandani

Behzad Razavi Fard

Shahrdad Darabi

Seyyed Hossein Hashemi

One of the important effects of the fight against terrorist crimes is the dominance of security over fair judgment, which in the light of this prevailing approach, governments prefer to prosecute perpetrators of terrorist acts outside the rules of international law and at their own discretion. The response of governments to dealing with terrorist offenses is not limited to rigorous initial investigations, but most criminal laws provide for the trial of terrorist offenses in special or exceptional courts, and even in states where terrorist offenses are tried in ordinary courts. Take; Their executive laws specify the existence of special rules for these trials. In this article, with the method of description and analysis, we examine this confrontation comparatively in the legal system of Iran and the United Kingdom, and the result is that the differential trial in terrorist crimes under the pretext of maintaining security, has led to violations of civil rights. However, the observance of the citizenship rights of the accused in all necessary crimes and in accordance with the rules of human rights is guaranteed in the constitution.

Keywords: Terrorist crimes, Criminal law, Citizenship rights, Just judiciary, Securityism